

واژه‌نامه نسخه‌شناسی

The Arabic Manuscript Tradition, A Glossary of Technical Terms and Bibliography, by Adam Gacek. Brill, Leiden-Boston-Koln, 2001, 269 pp. ISBN 90-04-12061-0

آنچنان که مؤلف می‌گوید این واژه‌نامه کار فرعی مؤلف در کنار کار اصلی اوست که بررسی دست‌نوشته‌های عربی است، بنابراین نمی‌تواند اثری جامع باشد. یا این همه به عقیده او این واژه‌نامه می‌تواند تصویری جامع و غنی از فرهنگ مربوط به کتاب نزد مسلمانان در دوران نسخه‌های خطی که حدوداً چهارده قرن را در بر می‌گیرد به دست دهد. نوع متون و نوشته‌هایی که واژه‌ها از آنها استخراج شده‌اند عبارت است از: نوشته‌های مأموران دیوانی و کاتبان، محدثان، خطاطان، فرهنگ‌نویسان و سایر دانشمندان، به ضمیمه صنعتگران (صناع)، کتاب‌دوستان و فهرست‌نویسان. طبقاً تحقیق در این سنت غنی نگارش، برای درک بهتر انواع خطوط، موادی که بر روی آن می‌نوشته‌اند، ابزارهای مورد استفاده و نیز شیوه‌هایی که نسخه‌های خطی عربی با آن نوشته می‌شده و همچنین تصحیح و صحافی و تزئین مهم است.

مؤلف تمام واژه‌ها را به انگلیسی معنی کرده، اما همچنان که خود گفته درباره شکل و معنی بعضی از آنها تردید داشته و این امر به دلیل استعمال این واژه‌ها در بعضی بافت‌های مبهم و یا تنها در یک سند بوده است. مؤلف همه این واژه‌ها را - به استثنای آنهایی که نتوانسته است معنی آنها را به دست بیاورد - در واژه‌نامه گنجانده است. بعضی واژه‌ها، مانند واژه‌های مربوط به قطع کتاب، آنچنان که در منابع مختلف آمده، در واژه‌نامه گنجانده شده و معادلی در انگلیسی برای آنها به دست داده نشده است، زیرا مثلاً ترجمه کردن «قطع الرُّبْع» و «قطع الثُّمْن» به octavo, quarto به نظر مؤلف گمراه‌کننده بوده است.

به کتاب‌های فوق باید التیسیر فی صناعة التّسغیر^۱ از بکر بن ابراهیم اشبیلی (د. ۶۲۸ هـ/ ۱۲۳۷ م.)، تذییر السّفر^۲ از ابن حمیده (قرن نهم/ پانزدهم) و صناعة تّسغیر الکتب از سفیانی (زنده در ۱۰۲۹ هـ/ ۱۶۱۹ م.) را که هر سه درباره تکنیک‌ها و ابزارهای صحافی بحث می‌کنند اضافه کرد. کتاب تحفة الخواص ابوبکر محمد قلّوسی (د. ۷۰۷ هـ/ ۱۳۰۷ م.) که موضوع آن تهیه انواع مرکب است نیز فصلی درباره مسطره دارد. سرانجام باید از الدّر التّضیید^۳ اثر بدرالدین غزّی (د. ۹۸۴ هـ/ ۱۵۷۷ م.) یاد کرد که در میان نوشته‌های عربی جامع‌ترین فصل راجع به آداب کتابت و مقابله و تصحیح کتب در بردارد (مقدمه مؤلف، ص XIII). بخش اول کتاب که ۱۵۳ ص را در بر گرفته به واژه‌نامه‌فنی مربوط به کتابت و موضوعات وابسته به آن اختصاص یافته است. مؤلف به پیروی از فرهنگ‌های عربی، این واژه‌ها را به ترتیب ریشه ثلاثی مجرد آنها مرتب کرده و مشتقات هر ریشه را ذیل آن آورده است. طبق یک شمارش سریع تعداد کل مدخل‌های این بخش (نه ریشه‌ها) ۱۶۹۰ تاست و البته بسیاری از این مدخل‌ها ارجاعی است. منابع مدخل‌ها طبق گفته مؤلف در مقدمه (ص XIV) عبارت‌اند از: آثار کلاسیک عربی، آثار مربوط به قرون وسطی، آثار بعد از قرون وسطی، تحقیقات معاصران، کاتالوگ‌ها و نمونه‌های موجود.

این کتاب از یک مقدمه و دو بخش تشکیل شده است. مؤلف در مقدمه کوتاه خود که سه و نیم صفحه از کتاب را در بر گرفته به توجهی که دانشمندان اسلامی به کتاب داشته‌اند اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که ریشه این علاقه در خود اسلام و به ویژه در قرآن است که عالی‌ترین کتاب شمرده می‌شود. این توجه موجب تصنیف و تألیف دهها هزار کتاب شده است که در میلیون‌ها نسخه تکثیر شده و در حال حاضر صدها هزار نسخه از آنها در کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و شخصی در سراسر دنیا نگهداری می‌شود. در کنار این آثار تألیفی، مؤلفان، دانشمندان، خطاطان و هنرمندان اسلامی (به تعبیر مؤلف: عرب) آثار معتابیهی درباره تولید و تزئین کتاب به وجود آورده‌اند. به جز کتاب‌های زیادی که درباره خطاطی و خوشنویسی، به ویژه در دوره ممالیک، نوشته شده، سه اثر در دست است که اطلاعات فراوانی درباره ابزارهای نوشتن، تهیه انواع مرکب، ساختن کاغذ و صحافی در بر دارند. این سه اثر عبارت‌اند از: عمدة الکتاب^۴ از معز بن بادیس (د. ۴۵۴/ ۱۰۶۲ هـ)، المختار^۵ فی فنون من الصنع^۶ منسوب به الملک المظفر یوسف غسانی (د. ۶۹۴ هـ/ ۱۲۹۴ م.) و النجوم الشارقات^۷ از محمد بن ابی الخیر حسینی دمشقی (قرن دهم/ شانزدهم).

۱. ترجمه فارسی آن، صنعت کتاب پر دازی، ترجمه صادق خورشاه، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۸۱، (زیر چاپ)؛

۲. این کتاب به تصحیح دکتر محمد عیسی صالحیه (کویت)، ۱۴۱۰ هـ/ ۱۹۸۹ م. منتشر شده است؛

۳. این کتاب به تصحیح محمد راغب الطیّاح (حلب)، ۱۳۴۶ هـ/ ۱۹۲۸ م. منتشر شده است؛

۴. برای ترجمه این رساله نک: ترجمه محمد آصف فکرت، نامه بهارستان، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۵-۱۸؛

۵. برای ترجمه این رساله نک: «ارجوزة ابن ابی حمیده در تعلیم صحافان»، ترجمه علی رضا عسگری، مقالات و بررسیدها، دفتر ۶۴ (زمستان ۱۳۷۷)، ص ۱۶۳-۱۷۷؛

۶. برای ترجمه این رساله نک: «نوشتاری درباره کتابت نسخه‌ها و تصحیح آنها»، ترجمه سید محمد علی احمدی ابهری، نامه بهارستان، سال دوم، شماره اول، دفتر سوم (بهار بیشتر - تابستان ۱۳۸۰)، ص ۹-۲۰؛ «نامه بهارستان».



مؤلف اشاره می‌کند (ص XV) که در مورد نام خطوط باید کاملاً احتیاط کرد، زیرا خطاطی هنوز هنری زنده است و خطوط و نام‌های آنها در طول دوران نسخه‌های خطی در ارتباط با مکاتب مختلف و دوره و منطقه‌ای که در آنها به کار می‌رفته‌اند دچار تحولاتی شده‌اند. مثلاً خط‌های نسخ و رقاع دوران ممالیک با همین خط‌ها در دوره‌های بعد کاملاً تفاوت دارند. ماهنوز تصویر درستی از این تغییرات در شکل خطوط نداریم و در منابع جدید مربوط به خطوط ابهامات زیادی درباره نام‌های آنها وجود دارد. بنابراین تعریف این کلمات در واژه‌نامه مربوط به استعمال هر یک از این خطوط در یک دوره و یک منطقه معین است و این تعریف هاقطعی نیست.

مؤلف واژه‌های مربوط به تهیه مرکب و رنگ مایه‌ها را در کتاب نیآورده است، زیرا این واژه‌ها، به تعبیر او، مربوط به یک قلمرو مشخص تحقیقات است و در آثار زیادی، به ویژه کتاب Medieval Arabic book making از مارتین لوی آمده است.

مؤلف اشاره می‌کند از آنجا که واژه‌نامه از آثار مربوط به دوران‌های مختلف و نقاط مختلف جهان عرب گردآوری شده دارای مقداری مترادف است. مثلاً برای لبه پوشش کتاب (سرطیل) ما کلمات زیر را در واژه‌نامه می‌یابیم: اذن (اندلس و شمال آفریقا = اذن، گوش)، مرجع (مراکش)، لسان (سرزمین‌های مرکزی اعراب)، مقلب (شرق مدیترانه، عراق)، رده (شرق مدیترانه) و ساقطه (يمن). مؤلف همین جا یادآوری می‌کند که بعضی از کلمات این قلمرو از نام‌های اندام‌های بدن انسان گرفته شده است. این امر به ویژه در مورد الفاظ مربوط به نسخه کتاب دیده می‌شود: اذن (گوش) = پوشش کتاب و سرطیل، لسان (زبان) به همان معنی، رأس (سر) = حاشیه بالایی، لبه حاشیه جلو (fore-edge)، وجه (روی) = صفحه رو (فرد)، پوشش فوقانی، عقب، عقب (پاشنه) = حاشیه پایینی، کلمه پا صفحه (رکابه)،

صدر (سینه) = صفحه رو (فرد)، حاشیه جلو، خدّ (گونه) = حاشیه درونی پایبرونی، شدق یا فک (آرواره) = جلد کتاب و بالاخره رقاصه = کلمه پا صفحه.

نکته‌ای که باید درباره واژه‌نامه گفت این است که مؤلف بسیاری از لغاتی را که نیز به هیچ وجه اصطلاح خاص نسخه‌نویسی و کتابت نیست و به دلیلی از دلایل در کتابت به کار می‌روند در واژه‌نامه گنجانده است، مانند نام ماه‌های عربی، شعبان، رمضان، رجب... همچنین نام بعضی شهرها مانند مکه و مدینه و لقب تعدادی از شهرهای مهم، مانند دارالهجریه (مدینه)، دارالعباده (یزد)، دارالارشاد (اردبیل)، دارالخلافه (بغداد)، تهران، شاهجهان آباد، دارالسلطنه (تبریز، هرات، اصفهان، استانبول)، اشرف (لقب نجف) و نیز کلمات غروب، صباح، سلخ (روز آخر ماه)، غره (روز اول ماه)، تاریخ، اهدا، نظم، شعر، میمون و میمونه (صفت کتاب و رساله)، حرکت، سکون، اسم (نام کتاب)، آله، باب، مجلس، جلوس، محروسه (صفت مملکت)، مبارک (صفت بعضی از ماه‌ها)، حفظ (از بر کردن)، اطلال الله عمره، و غیره.

و بالاخره باید یادآوری کرد که معدودی از اصطلاحات فن کتابت و خط و صحافی فارسی نیز از منابعی مانند دائرة المعارف اسلام و دائرة المعارف ایرانیکا و غیره در واژه‌نامه آمده است. این اصطلاحات عبارت‌اند از: افشان، درفش، زلف (که در ترکی نیز به کار می‌رود و به لبه برآمده بالایی الف و لام گفته می‌شود)، سرلوح، شیرازه (شیزره)، شکسته (شکسته نستعلیق)، نستعلیق، ابرو (= ابری، کاغذ ابری که از ترکی نقل شده است)، البته بعضی اصطلاحات که از فارسی وارد عربی شده‌اند جزء این دسته قرار نمی‌گیرند، مانند تخت، جامه، دیباج، دستور (یادداشت‌های به خط مؤلف)، دیوان سخّیان، لک (لاک) و مهر. مؤلف برای تمام واژه‌های کتاب یک یا چند مأخذ ذکر کرده است.

بخش دوم کتاب که در صفحات ۱۷۹

تا ۲۶۹ آمده کتابنامه نسخه‌نویسی و امور مربوط به کتاب است. این کتابنامه به صورت موضوعی تدوین شده و غیر از بعضی عناوین فارسی و ترکی اساساً شامل مأخذ عربی و اروپایی است. بعضی منابع که در چند کتابنامه عمومی آمده و مؤلف آنها را جداگانه در صفحه ۱۸۱ فهرست کرده است در کتابنامه گنجانده نشده‌اند. در آغاز این کتابنامه مؤلف اهم منابعی را که درباره سنت نسخه‌نویسی و کتابت عبری و یونانی و رومی نوشته شده‌اند آورده است، زیرا به عقیده او بسیاری از شیوه‌ها و فنون و پدیده‌هایی که در سنت عربی وجود دارد در این سنت‌ها نیز هست.

بخش کتابنامه شامل زیر بخش‌هایی زیر است:

۱. تحقیقات کلی و مقدماتی؛
- ۱-۱. کتابنامه‌ها؛ ۱-۲. نشریات ادواری؛ ۱-۳. مجموعه سخنرانی‌ها، کنفرانس‌ها و آثار مختلط؛ ۱-۴. تحقیقات عمومی و کلی؛ ۱-۵. تحقیقات منتخب درباره یک یا چند نسخه؛ ۱-۶. نسخه‌نویسی یا وراقه و فرهنگ مربوط به آن؛ ۱-۷. کتابخانه‌ها (کتابنامه منتخب و تحقیقات)؛ ۱-۸. تاریخ نسخه‌های خطی (تملک‌نامه‌ها، نشانه‌های مهرها و وقف‌نامه‌ها و غیره)؛ ۱-۹. فرهنگ عامه (popular culture) در نسخه‌های خطی؛ ۱-۱۰. آثار جعلی؛ ۱-۱۱. اصطلاحات؛ ۲. مواردی که بر روی آنها می‌نوشته‌اند، سایر مواد و ابزارها؛
- ۱-۲. تحقیقات عمومی و کلی؛ ۲-۲. پایروس؛ ۲-۳. پارشمن؛ ۲-۴. کاغذ؛ ۲-۵. مرکب، دوات، قلم و سایر لوازم کتابت؛ ۳. دسته‌های کاغذ، امضا و شماره‌گذاری

۴. متن، تألیف و تنظیم آن؛
- ۴-۱. انواع تألیف و اجزای آنها و غیره؛ ۴-۲. صفحه‌بندی؛ ۴-۳. انجامه (ترقیمه)، کلفون) و شعرهای کاتبان؛ ۴-۴. تاریخ‌ها، تاریخ‌گذاری و اعداد؛ ۴-۵. اختصارات؛ ۴-۶. نام‌ها و عناوین عربی؛ ۴-۷. آوانویسی، تصحیحات و آداب و تشریفات.